



2020/12/23

افغان جرمن آنلاين

تبصره در مورد یک نابینای سیاسی بنام دوکتور روستار تره کی

به تاریخ 21 دسامبر 2020 دوکتور روستار تره کی تبصره ای بر اعلامیه سایت آریانا افغانستان نوشته که قابل مکث و ارزیابی می باشد. در این مقاله فاقد حیات از گروه خونریز استعمار ساخته بنام طالبان پشتیبانی صورت گرفته است، و سایت در مانده آریانا افغانستان این سیاهه را مفتخرانه بنشر سپرده است. در ذیل روی بعضی نقاط این مضمون مکث می گردد و از اغلاط املائی و انشائی آن صرف نظر میکند:

1 – آقای تره کی می نویسد که گویا "در مقاله اش از حق زندگی مردم ملکی دفاع شده." باید از این آقا پرسید که شما از حق زندگی کدام مردم دفاع کرده اید؟ مگر نه اینست که هر روز طالبان وحشی و خونریز از طریق انتحار و انفجار و بمبهای چسپکی و موتر بمب هزاران باشنده بی گناه و بی خطای افغانستان را به هلاکت می رسانند و هزاران خانواده را به گلیم غم می نشانند. چشمان شما مگر پرده پائین کرده؟

2 – آقای تره کی می افزاید: "کوبیدن تاپه استخبارات خارجی به پیشانی مخالف سیاسی به حربه معمول مناقشات سیاسی در میان افغانان بدل شده است. ازین حربه وقتی استفاده سوء میشود که منقد در برابر مخالف احساس کمبودی و ذلت اخلاقی کند و برای دریافت دلیل در دفاع از خود بیچاره و در بچال شود." خدمت این آقا باید عرض گردد که طالبان زاده استخبارات غرب و پاکستان است و در دامن آنها پرورش یافته. مگر شورای کویته و شورای پشاور و محل اقامت طالبان در کدام سیاره دیگر است؟ آیا همین چند روز قبل که مذاکرات دوحه به تعویق افتاد، طالبان برای تجدید میثاق غلامی به پاکستان رفتند و در پای قریشی و عمران خان کمر نشکستاندند؟ مگر طالبانی که در دوحه می روند و می آیند پاسپورت پاکستانی ندارند؟ مگر طالبان همین حالا از خوان تغذیه می کنند؟ همچنان بینظیر بوتهو در مصاحبه ای در لندن نگفته بود که: " فکر روی کار آوردن طالبان از انگلیسها بود، مدیریت آنها امریکائیها به عهده داشتند، مصرف آنها سعودی ها پرداختند و من اسباب آنها فراهم آوردم و طرح را اجراء کردم." زهی بی شرمی!

3 – آقای تره کی می نویسد: "طالب یک سوته بر فرق متجاوز خارجی است." اینرا می گویند دروغ شاخدار! واقعیت اینست که طالب از همان بدو تولدش در دست سازمان جاسوسی پاکستان، انگلیس و امریکا بود و هنوز هم است. سوته ای را که این سازمانهای جاسوسی به دست طالبان داده اند، بر فرق مردم بیگناه افغانستان وارد می شود و نه بر فرق اجنبی. مگر نه اینست که طالب در بدل پول با کافر و نصارا صلح می کند، لاکن هموطنان و همکیشان خود را می کشد. طالب سوته به دست هر روز مردم را با سوته و شلاق، دره و قمچین می زند و زن را سنگسار می کند و در پای اجنبی کمر می شکند. چشمان آدم باید کور باشد که از فجایعی که طالب هر روز می آفریند چشم ببوشد.

4 – آقای تره کی در جای دیگر مضمون خود در ارمان استقرار یک حکومت انتقالی است. حکومت انتقالی خواست پاکستان است تا در آن نوکران خود مانند طالبان و گلبدین و چند رسوای دیگر را جابجا سازد و افغانستان را به یکی از صوبه های خود تبدیل سازد. لاکن پاکستان و نوکرانش این ارمان را بگور خواهند برد. افغانستان هیچگاهی در قیمومیت پاکستان نمی رود.

5 – آقای تره کی چنین ارشاد می کنند: "به باور من دفاع از مقاومت مسلح طالب در شرایطی که افغانستان اشغال است و قوای خارجی خود را ملزم به رعایت هیچ قاعده اخلاقی و حقوقی در برابر مردم افغانستان نمیداند، یک ضرورت است." حالا باید ازین آقا پرسید که آیا طالبان متحجر و جنایتکار خود را به ابتدائی ترین قواعد اخلاقی و حقوقی ملزم می دانند؟ مگر نه اینست که این خاک را با خون بی گناهان آن رنگین کرده اند و هر روز جنایت و کشتار می کنند.

مگر نه اینست که طالبان هر روز خانه و مسجد و پل و پلچک و مکتب و مدرسه را ویران و به مراسم مذهبی و ختم قرآن بمب پرتاب می کنند. فراموش کردید که به تاریخ 18 ماه می 2020 طالبان "گرام" در یک موتر پر از مواد انفجاری مرکز ثقافت اسلامی غزنه را ویران کردند. به یاد بیاورید که در سالهای اخیر چندین بار اجماع مسلمانان جهان در عربستان سعودی، اندونیزیا و چندین مملکت دیگر صورت گرفت و جنگ را در افغانستان حرام شمردند. لکن طالبان خونریز به اجماع بین المللی مسلمانان جهان تمکین نکردند. این قاعده اخلاقی و حقوقی چیست آقای تره کی؟

6 – آقای تره کی در ادامه می نویسد: "اما این دفاع مشروط است نه قاطع و بلا شرط: اگر بعد از پایان جنگ طالبان محموله نفوذ کشور یا کشور های همسایه ثابت شد و افغانستان را از یک متجاوز آزاد و در زیر سلطه متجاوز دی گر قرار داد، حمایت از وی سلب میشود. درین حال مردمیکه در جنگ در عقب طالبان قرار داشتند از وی می گردانند." در این رابطه باید گفت که نوکری و نوکرمنشی در نهاد طالب خفته است و طالب بدون ارباب قادر به زندگی نیست. مردم افغانستان چوب و چماق و ظلم و استبداد طالب را در دهه 1990 تجربه کرده اند. طالب متحجر، نوکرمنش، اجنبی پرست با افکار قرون وسطائی ابداء قادر نیست که بار دیگر بر شانه های مردم افغانستان سوار شود. این خواب و این خیال را شما و همقطاران تان در حافظه خویش پرورش ندهید که سودی در قبال ندارد.

7 – آقای تره کی می نویسد: "بلی! امریکا بعد از بیست سال به واقعیت وجود طالب به مثابه طرف معامله جنگ و صلح تسلیم شد." به آقای تره کی باید گفت که چنانکه در بالا تذکر داده شد و صد ها سند دیگر نیز موجود است، طالبان در دامن پاکستان، انگلیس و امریکا تولد و پرورش یافته اند. امریکا و انگلیس با نوکران خود مطابق منافع خود عمل می کنند. زمانی آنها را کمک می کنند و در یک وقت دیگر آنها را تأجیز کرده و در فرصت دیگری آنها را اگر لازم افتد باز بر اریکه قدرت نصب می کنند. چنانکه امریکا و انگلیس، صدام، قذافی، رضا شاه، ضیالحق، گلبدین و غیره را به قدرت رساند و باز از قدرت به زیر کشید. به همین ترتیب در صورت لزوم عده ای را دوباره به قدرت نصب کرده است. و اینک می خواهد طالبان را که خودش خلق کرد و از قدرت بر انداخت، بر حسب منافع خود می خواهد آنها را بار دیگر بر اریکه قدرت برگرداند، زیرا اوضاع منطقه ایجاب می کند تا امریکا و انگلیس در این گوشه آسیا ژاندارمی در اختیار داشته باشد. لکن طالبان و افکار طالبانی در تقابل با زمان و خواست بشریت قرار دارد و به شکست حتمی مواجه است. اینک گوشه های طالبان بعد از شکست ترمپ لم گردیده و دعای آنها برای اعاده صحت ترمپ نیز مستجاب نشد. از بیزوست که بر میزان جنایات خود افزوده اند.

8 – آقای تره کی چنین ادامه می دهند: "معتقدات مذهبی و ملی، مجموع مردم افغانستان را با طالبان پیوند میدهد. طالبان علی الرغم بمباردمان ها و کشتار جمعی توانسته اند به حمایت مردم در بیش از نیمی از قلمرو افغانستان کنترل قائم کنند." به این آقا باید گفت که مردم از طالبان نفرت دارند و بیزار اند، چنانکه هر جنایتی را زیر نام الله اکبر انجام می دهند. تنها در جریان همین سال خورشیدی حدود 16 در صد از تأسیسات مملکت را که مال مردم است به فرمان پاکستان تخریب کرده اند. مثلاً در روز های پسین سرک قیر دلارام را و یک سرک قیر را در غزنی ویران کردند و یک پل کلان را در غور و چندین سرک را بین غور و هرات منهدم ساختند. محافظین بند کمالخان را به قتل رساندند و هزار و یک جنایت دیگر را در کابل و اطراف مملکت مرتکب شدند و هزاران خانواده را به خون نشانند. آیا با این جنایات عظیم و هولناک که طالبان مرتکب شده اند، کسی از آنها دفاع می کند مگر اینکه هیچ نشانی از وجدان نداشته باشد. آقای تره کی باید به یاد بیاورد که در جنگ هلمند دهها هزار هموطن ما که بر اثر جنگ طالبان آواره شدند، آیا جانب طالب رفتند و یا زیر چتر دولت؟ وقتی آقای تره کی ادعا می کند که نیم قلمرو افغانستان زیر کنترل طالبان است، حد اقل یک ولایت را نشان بدهد که زیر کنترل طالبان باشد. اگر چنین نیست چرا طالبان از ادامه مذاکرات در کشور اباء می ورزند. دولت افغانستان به طالبان پیشکش کرد که در هر کجای افغانستان که شما بخواهید می توانیم مذاکرات را دوام بدهیم. لکن طالبان این موضوع را قبول نکردند، زیرا در هیچ جای کشور تسلط کامل ندارند. بلکه دزدانه و بزدلانه از سوراخی بدر می شوند، قتل و قتالی می کنند و پای در گریز می گذارند و در سوراخ دیگری پنهان می شوند.

9 – در اخیر آقای تره کی می فرماید: "تصور من اینست که مردم در مجموع طالب را به عنوان مدافع ارزش های ملی (به شرط دفع نفوذ احتمالی پاکستان) و مذهبی میبگیرند." به آقای تره کی باید گفت که نفوذ پاکستان بالای طالبان احتمالی نیست و عملاً طالبان در خدمت پاکستان و حامیان پاکستان قرار دارند و این در مخالفت صریح با ارزشهای ملی کشور ما می باشد. چنانکه از توضیحات بالا روشن می گردد، سر نخ تحریک طالبان بامکانات وسایل وسایط و اسلحه مدرن روز از آغاز تا کنون به دست امریکا و انگلیس و پاکستان تمویل می شد و این تحریک جز آله ای بی جانی در دست استعمار چیزی دیگری نمی تواند باشد ابزار طالبانی از خود اراده مستقل ندارند. ابزار طالبانی بخاطر تأمین منافع استعمار مزور همچون قصابان خون آشام برای ایجاد رعب و ترس ساخته شده اند. تاتحت ماسک بنام طالبان چهره مزور استعمار را روپوش کرده باشند.

هیچ مفروضی مثبت به طالبان نمی چسبد چراکه به همگان واضح است که مانع پیشرفت و ترقی جامعه ما افغانستان می باشند. چراکه با تحمیل طالبان در افغانستان توانستند گلیم دموکراسی، آزادی حقوق بشر را جمع کنند. استعمار با ابزار طالبانی (بخصوص اسلام سیاسی) مملکت را در دهه 1990 فرسخ ها به عقب برد. جامعه شهری افغانستان را به جامعه دهاتی تنزیل داد و برخلاف اسلام راستین، اخوت و برادری را در خصم اخوت و برادری برخلاف نص صریح قرآنی تبدیل کردند. اسلام را با اسلام سیاسی از بین بردند تا دست استعمار در امور اجتماعی جوامع فقیر آزاد باشد. لذا هر انسان ملی و وطن دوست تلاش دارد تا جامعه را از خطر طالبانی استعماری دور نگهدارد. اما گماشتگان استعمار مؤظف اند تا با عوامفریبی جالوت را داود جلوه دهند. در پایان باید گفت که وقتی آقای تره کی این همه واقعیات را نمی بیند، یقیناً در سطح یک نابینای سیاسی تنزل کرده است. زیرا غیر از او و چندی دیگر کسی نمی تواند این همه جنایات طالبان را نا دیده انگارد.

ضمناً باید خاطر نشان کرد که سایت **آریانا افغانستان** با روابط پیدا و پنهانش با طالبان، به بلند گوی این گروه نیز تبدیل شده است. به بهانه آزادی بیان تریبیون خود را به خدمت کسانی قرار داده که هر روز خون می ریزند و جنایت می کنند. چرا که گردانندگان این وبسایت از قلت مضامین رنج میبرند، همانطویکه خلیلی مداح، گماشته شده انگلیس (بچه سقو) را دور از حیا بدفاع نشست اینبار بجای استاد خلیلی، به مداح روستار تره کی پرداخته است.

پایان